

برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شهر انباشت سرمایه

نویسنده: دکتر ناصر عظیمی

مشهد؛ ۱۳۸۴

ناشر: نشر نیکا

افسانه رستمی

مقدمه:

کتاب «برنامه‌ریزی منطقه‌ای شهر انباشت سرمایه» از پنج نوشته‌ی جدا از هم تشکیل شده است. اولین نوشته تحت عنوان «برنامه‌ریزی منطقه‌ای شهر انباشت سرمایه» است. در این نوشته درباره‌ی انباشت سرمایه، شهرها کانون انباشت سرمایه، نقش انباشت سرمایه و شهر در برنامه‌ریزی منطقه‌ای، رشد اقتصادی و انباشت سرمایه در منطقه، کاهش نابرابری فضایی، حفاظت از منابع ارزشمند زیست‌محیطی و فرهنگی و ارتقاء دانش، فرهنگ و مشارکت مدنی سخن به میان آمده است. دومین نوشته تحت عنوان «مهاجرت روستا به شهر، نگاهی متفاوت» می‌باشد. در این نوشته نشان داده شده که مهاجرت در تحول ساختاری اقتصاد مدرن هم‌گریزناپذیر است و هم مثبت؛ در این نوشته مهاجرت و توسعه‌ی روستایی و کشاورزی دو روی یک سکه ارزیابی شده‌اند. نوشته‌ی سوم تحت عنوان «طرح کالبدی ملی منطقه‌ای به عنوان گام نخست توسعه‌ی پایدار» است. با این طرح‌ها، تکلیف زمین‌های منطقه و قوانین حاکم بر آن مشخص می‌شود و کاربری زمین در چارچوب توسعه‌ی پایدار قرار می‌گیرد. نوشته‌ی چهارم با عنوان «فضا و جغرافیای انسانی در ایران» است که اصول عام حاکم بر محیط جغرافیایی در ایران با شکل‌گیری زیست‌گاه‌های انسانی و تحولات تاریخی در آن بررسی شده است. نوشته‌ی پنجم نمونه‌ای از مطالعات منطقه‌ای است که علت نابرابری‌های توسعه در درون یک منطقه را نشان می‌دهد.

برنامه‌ریزی منطقه‌ای شهر انباشت سرمایه:

برنامه‌ریزی منطقه‌ای علاوه بر منظم نمودن منطقه به دنبال رساندن جامعه به توسعه‌ی پایدار است. در این راستا بیان ارتباط شهرها به عنوان کانون انباشت سرمایه و برنامه‌ریزی منطقه‌ای بسیار ضروری است. اگر بخواهیم یک نگاه تاریخی گذرا به فرآیند انباشت سرمایه داشته باشیم، اولین بار این مفهوم را «آدام اسمیت» مطرح کرد؛ وی انباشت سرمایه را مقدم بر تقسیم کار می‌دانست. پس از وی مارکس بود که معتقد بود تبدیل مجدد اضافه ارزش به سرمایه، انباشت سرمایه نامیده می‌شود. آنچه نباید از آن غافل شد تمرکز سرمایه است؛ تمرکز سرمایه بر شتاب انباشت سرمایه می‌افزاید. «مارکس» معتقد بود هر چقدر انباشت سرمایه افزایش یابد، فقر هم بیشتر می‌شود. اما نکته‌ی مهم اینجاست که توسعه چه از دیدگاه سرمایه‌داری و چه از دیدگاه مارکسی مستلزم انباشت است، اما از دیدگاه مارکسی این انباشت سوسیالیستی است نه فردی و سرمایه‌دارانه. به طور خلاصه می‌توان گفت: انباشت اولیه سرمایه ← اضافه ارزش ← انباشت سرمایه ← اضافه ارزش بیشتر ← انباشت سرمایه‌ی بیشتر ← افزایش نسبت سرمایه‌ی



ثابت به سرمایه‌ی متغیر. (ص ۲۴)

انباشت روزافزون سرمایه و تکامل شیوه‌های تولید از عوامل پایه‌ای رقابت در بازار است. شهرها به عنوان اشکال ساخته شده‌ی متراکم و تجهیز شده در مکان جغرافیایی معین ضمن حاکمیت بر امپراتوری حوزه‌ی نفوذ خود و زهکشی مازاد اقتصادی، مدیریت و کانون انباشت سرمایه‌ی ثابت در این حوزه را نیز بر عهده دارند. (ص ۳۵)

مؤلفه‌هایی که به تمرکز جغرافیایی سرمایه‌ی ثابت کمک می‌کند، صرفه‌جویی مقیاس و صرفه‌جویی تجمع است. در واقع صرفه‌جویی‌های اقتصادی عامل اصلی در قطبی شدن و تمرکز جغرافیایی سرمایه‌ی ثابت و یا اشکال ساخته شده‌ی شهری هستند. (ص ۴۳)

یکی از اهداف اصلی برنامه‌ریزی منطقه‌ای کاهش نابرابری فضایی است. دو عامل مهم در ایجاد فضاهای ناموزون توسعه در یک منطقه عبارتند از منشأ جغرافیایی قدرت و جغرافیایی سود. (ص ۶۶)

انباشت سرمایه و نیروی کار می‌تواند از طریق گسترش جغرافیایی سرمایه، به فضا جذب گردد، لیکن این امر ضرورتاً معطوف به بازتولید روابط اجتماعی سرمایه‌داری در فضاها و محیط‌های جدید جغرافیایی است که سرمایه می‌خواهد به آنجا نفوذ کند. اما در هر حال این وظیفه‌ی دولت و مدیران منطقه‌ای است تا با استفاده از برنامه‌ریزی منطقه‌ای با شناخت مناطق و نواحی حاشیه‌ای در اختصاص بخشی از سهم مناطق مرفه‌تر به مناطق فقیر و حاشیه‌ای بکوشند که این کار هم به نفع مناطق مرفه است و هم مناطق فقیر. (ص ۷۸)

مهاجرت روستا به شهر، نگاهی متفاوت:

گذشته از جنبه‌های روانی و اجتماعی حاصل از نیاز انسان به تجمع بیشتر در کنار هم، صرفه‌جویی‌های مقیاس و تجمع در بهره‌گیری بیشتر از فعالیت اقتصادی و نیاز دائمی متحول شونده‌ی انسان امروزی مهاجرت را ضروری می‌نماید. در ایران طی یک دوره‌ی ۴۰ ساله از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵، جمعیت مطلق روستایی افزایش یافته اما شاغلین بخش کشاورزی اندکی کاهش یافته است. (ص ۱۱۱)

واقعیت این است که فعالیت کشاورزی در فرآیند گذار به توسعه یافتگی روزبه‌روز به حاشیه‌ی اقتصادی کشور

رانده می‌شود که البته این نکته منفی نیست. رویکرد انتقال جمعیت از بخش کشاورزی به صنعت و خدمات در تمام کشورهای توسعه یافته در جهت صنعتی شدن روی داده است. مکانیزه شدن ابزار تولید در بخش کشاورزی در روستا نیروی کار مازاد پدید می‌آید. بنابراین مهاجرت روستا به شهر یک پدیده منفی نیست. اکثر مهاجرین از وضعیت زندگی خود بعد از مهاجرت نسبت به قبل از آن رضایت بیشتری دارند. ضمن این‌که زندگی در شهر باعث آگاهی از حقوق شهروندی و ارتقاء سطح اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مهاجران روستایی است. اما مهاجرت روستا به شهر نکات منفی هم دارد. از جمله روستایی شدن شهرها. ممکن است در شهرهایی که سریع‌تر مهاجر می‌پذیرند، حتی ساختارهای مدیریت شهری هم تحت تأثیر ایدئولوژی روستایی شود. (ص ۱۲۹) غلبه‌ی ایدئولوژی روستایی در شهرها باعث می‌شود حتی با هزینه‌های بالا نتوانیم محیط سالم و مناسب شهری داشته باشیم.

طرح‌های کالبدی ملی منطقه‌ای در ایران:

اولین طرح کالبدی در ایران در سال ۱۳۷۵ به تصویب شورای عالی شهرسازی و معماری رسید. (ص ۱۴۰) طرح‌های کالبدی ملی سه هدف اصلی دارند: ۱- مکان‌یابی برای گسترش آینده‌ی شهرهای موجود و ایجاد شهرها و شهرک‌های جدید ۲- پیشنهاد شبکه‌ی شهری آینده‌ی کشور یعنی اندازه‌ی شهرها، چگونگی استقرار آنها در پهنه‌ی کشور و سلسله مراتب میان شهرها به منظور تسهیل مدیریت سرزمین و امر خدمات‌رسانی به مردم ۳- پیشنهاد چارچوب مقررات ساخت‌وساز در کاربری‌های مجاز زمین‌های سراسر کشور. (ص ۱۴۴) طرح‌های کالبدی از تلفیق ۲۰ مطالعه‌ی تخصصی تهیه می‌شوند. با تأکید بر چهار معیار زیر کشور به ۱۰ کلان منطقه‌ی کالبدی تقسیم شد:

۱- تقسیمات کشوری (استان‌ها) رعایت شود و هر منطقه از یک یا چند استان تشکیل شود. ۲- استان‌های تشکیل‌دهنده‌ی منطقه در مجاورت یکدیگر باشند. ۳- حتی‌المقدور استان‌های یک منطقه شبیه یکدیگر باشند. ۳- تا جایی که ممکن است منطقه‌ها از نظر وسعت و جمعیت هم‌سنگ باشند.

۱۰ منطقه‌ی کلان شامل آذربایجان، زاگرس، خوزستان، فارس، تهران، مرکزی، جنوب شرقی، ساحلی شمال، ساحلی جنوب و خراسان می‌باشد. از آنجا که غایت اصلی طرح‌های کالبدی رسیدن به توسعه‌ی پایدار است، توجه به این نکته که محیط زیست و منابع ارزشمند طبیعی را نمی‌توان به دست بازار رقابتی سپرد، اهمیت اهداف طرح‌های کالبدی را بیش از پیش روش می‌سازد.

فضا و جغرافیای انسانی در ایران:

در این مطالعه انسان به مثابه یک موجود منفعل نیست که جبرهای محیطی بر آن حاکمند، بلکه می‌تواند با اتکاء به دانش خود شرایط را به صورتی تغییر دهد که بتواند به بهترین شکل زندگی کند. در این نوشتار از اصولی یاد شده است که بر شکل روابط انسانی با فضای جغرافیایی در ایران حاکم است: یکی از عواملی که بر پارکندگی سکونت و فعالیت انسان‌ها در ایران تأثیرگذار بوده است، دسترسی به منابع آب است. عامل دوم، قرار گرفتن ایران در یک موقعیت گرهگاهی که بر تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی ایران مؤثر بوده است. عامل سوم، ساختار طبیعی سرزمین است؛ گسیختگی پهنه‌های خاک به همراه کم‌آبی بر پراکندگی سکونت و فعالیت تأثیر داشته است. عامل چهارم، حاکمیت اقلیم خشک است که در شکل‌دهی الگوهای اجتماعی و فرهنگی بسیار قابل توجه بوده است. عامل پنجم این است که در ایران به جزء دشت خوزستان که شرایط دسترسی به آب‌های سطحی مناسبی دارد، در هیچ ناحیه‌ای رودخانه‌های پر آب قابل کشتیرانی نداریم. البته این عوامل را باید در تعامل با هم دید. ضمن این‌که نباید از مؤلفه‌هایی مثل ساخت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و جهانی شدن غافل شد. (ص ۱۸۷)

علل نابرابری توسعه در شرق و غرب گیلان:

فرضیه‌ی اصلی این نوشته مبنی بر این است که شرق گیلان به دلیل ساخت ویژه‌ی طبیعی و جغرافیایی که دراد، فقط به کشت برنج نمی‌پردازد و کشت مرکبات، بادام زمینی و... را هم دارد. منظور از ناحیه‌ی شرقی گیلان، آستان

اشرفیه، لاهیجان، لنگرود و رودسر است. ناحیه‌ی غربی هم شامل فومن، صومعه‌سرا، شفت و هشتپر است. برای تأیید فرضیه‌ی فوق ۱۷ شاخص انتخاب شده‌اند، که در چهار گروه جمعیتی، گروه شاخص آموزشی- فرهنگی، گروه شاخص اشتغال و گروه شاخص مصرفی دسته‌بندی شده‌اند.

شاخص جمعیتی: این شاخص را با نرخ شهرنشینی، بعد خانوار، جوانی جمعیت، شهرهای بالای ۵۰ هزار نفر و تراکم جمعیت تعریف نموده‌ایم. مقایسه‌ی آمارهای مربوط به دو ناحیه‌ی غرب و شرق نشان می‌دهد که شهرستان‌های ناحیه‌ی غربی نرخ شهرنشینی کمتری از ناحیه‌ی شرقی داشته‌اند و بعد خانوار در ناحیه‌ی غربی بیشتر از ناحیه‌ی شرقی است. جوانی جمعیت در ناحیه‌ی غربی بیشتر از ناحیه‌ی شرقی است. میزان تراکم جمعیت نیز در ناحیه‌ی شرقی بیشتر از ناحیه‌ی غربی است.

شاخص آموزشی- فرهنگی: این شاخص نیز با نرخ باسوادی، باسوادی که در حال تحصیل در مقطع عالی هستند، باسوادان زن که در حال حاضر تحصیل نمی‌کنند و دارای مدرک عالی و متوسطه هستند؛ مورد سنجش واقع شده است. در تمام این شاخص‌ها نیمه‌ی شرقی وضعیت بهتری نسبت به نیمه‌ی غربی داشته است.

سطح توسعه‌ی دو ناحیه از نظر شاخص‌های اشتغال: مبنای ارزیابی در این شاخص، شاغلین بخش کشاورزی، سطح سواد شاغلین و شاغلین زن در بخش صنعت و خدمات می‌باشد. شاغلین بخش کشاورزی در ناحیه‌ی شرقی کمتر از ناحیه‌ی غربی است، سطح سواد شاغلین در ناحیه‌ی شرقی بیشتر از ناحیه‌ی غربی است. سهم زنان در اشتغال بخش صنعت و خدمات در ناحیه‌ی شرقی بیشتر از ناحیه‌ی غربی است. سطح توسعه‌ی دو ناحیه از نظر شاخص‌های مصرفی: برای سنجش این شاخص به درآمد سرانه استناد کردیم که که متغیرهایی مثل وجود تلویزیون رنگی در خانوار، وجود اسکلت فلزی یا بتون آرمه و برخورداری از آشپزخانه و حمام در واحد مسکونی را در آن مورد سنجش قرار دادیم که در مورد تمام این متغیرها نیز ناحیه‌ی شرقی وضعیت مطلوب‌تری نسبت به ناحیه‌ی غربی داشت. بنابراین این گزاره که ناحیه‌ی شرقی از ناحیه‌ی غربی توسعه‌یافته‌تر است، صحیح می‌باشد. ساخت طبیعی و جغرافیایی متفاوت دو ناحیه را نباید نادیده گرفت. ریخت‌شناسی ناحیه‌ی غربی به گونه‌ای است که آب در دسترس برای کشت برنج در ناحیه‌ی غربی بیشتر از ناحیه‌ی شرقی است. عامل دوم پایین بودن بستر رودخانه‌ی سفیدرود است که در نتیجه آب آن رودخانه بر دشت‌های ناحیه‌ی شرقی سوار نمی‌شود. (ص ۲۱۸)

اما منشأ اصلی نابرابری توسعه، تنها ساخت طبیعی و جغرافیایی نیست. سابقه‌ی تاریخی و فرهنگی شرق گیلان از غرب آن غنی‌تر است. ضمن این‌که در شرق گیلان به دلیل دشواری در دسترسی به آب فراوان برای کشت برنج، به کشت بادام زمینی، مرکبات و... پرداختند. بنابراین رواج کشت‌های تجاری و گسترش ساختاری اقتصاد بازار از دهه‌ی ۴۰ به بعد زمینه‌ی دستیابی به سطوح بالاتر توسعه در شرق گیلان را فراهم کرد.

نتیجه:

کتاب برنامه‌ریزی منطقه‌ای، شهر و انباشت سرمایه؛ علاوه بر اینکه اطلاعات جامعی را درباره‌ی نحوه‌ی شکل‌گیری انباشت سرمایه در شهر و منطقه در اختیار قرار می‌دهد؛ به رویکردهای جدید برنامه‌ریزی که مهم‌ترین آنها توسعه‌ی پایدار می‌باشد نیز پرداخته است. با توجه به سابقه‌ی نویسنده‌ی این کتاب در تهیه‌ی طرح‌های کالبد منطقه‌ای در این زمینه نیز اطلاعات جامعی را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. مطالعات موردی که نویسنده در این کتاب به آنها اشاره نموده است، می‌تواند برنامه‌ریزان و متخصصان در غناء تئوریک و کاربردی دانش برنامه‌ریزی یاری رساند.